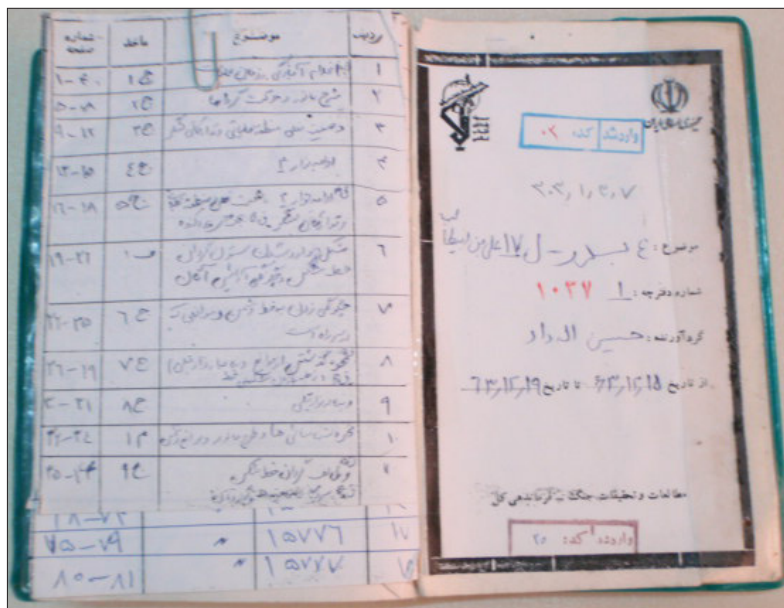


برگی از دفترچه‌ی راویان جنگ

تهیه و تنظیم: دکتر حسین اردستانی



راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ برای ثبت وقایع جنگ، علاوه بر ضبط صداها در نوار کاست از دفترچه‌هایی استفاده می‌کردند و مطالب و موضوعات گوناگون را در آن‌ها ثبت می‌کردند. این دفترچه‌ها امروز، از جمله اسناد مهم جنگ به شمار می‌روند، چرا که در طول جنگ به دلایلی خاص از ضبط برخی مباحث خودداری می‌شد

مطالب بیان شده شامل دو تماس تلفنی آقای هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و فرمانده جنگ با برادر محسن رضایی و گفت‌وگوی برادران رضایی، شمخانی و افشار درباره‌ی وضعیت یگان‌ها و آماده کردن آن‌ها برای اجرای عملیات‌های بعدی در تابستان است. همان‌گونه که از محتوای صحبت‌ها پیداست، یگان‌های سپاه به دلیل کمبود نیرو، هر کدام در چند محور عهده‌دار خط دفاعی بودند و با توجه به شرکت در حملات متعدد توان آن‌ها به شدت کاهش یافته بود و برای حمله‌ی بعدی دچار مشکلات جدی شده بودند. ذهنیت فرماندهی نیز به طور کامل مشغول این مسئله

و روایان این مباحث را در دفترچه‌های‌شان ثبت می‌کردند، مانند: حال و هوای جلسات؛ جمع‌بندی و برداشت‌های راوی از نتیجه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و عوامل مؤثر یا موانع موجود بر سر راه آن‌ها؛ مشاهدات راوی از خط مقدم و مناطق عملیاتی؛ اخبار و بحث‌های گوناگونی که در سنگر فرماندهی یا بین رزمندگان در جبهه‌ها مطرح می‌شد؛ گزارش‌های پراکنده‌ی فرماندهان یگان‌ها یا مسئولان ستادها و واحدها به فرماندهی و ... در ادامه، صفحاتی از دست‌نویس‌های حسین اردستانی راوی قرارگاه خاتم، در عملیات کربلای ۱۰ آمده است. قبل از مطالعه باید به این نکات توجه کرد:

بود که چگونه یگان‌ها از خطوط دفاعی آزاد شوند تا در اجرای عملیات بتوانند از آن‌ها استفاده کنند. گفتنی است که به دلیل خوانا نبودن برخی کلمات دست‌نوشته‌ها، متن کامل آن‌ها تایپ شده و برای این که خوانندگان مطالب را بهتر درک کنند، توضیحات اضافی نیز در داخل پراکنش داده شده است. مسئولیت برادرانی که نام آن‌ها آمده، عبارت است از:

برادر محسن رضایی: فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

برادر علی شمخانی: قائم مقام سپاه و فرمانده نیروی زمینی.

برادر علیرضا افشار: (احتمالاً) رئیس ستاد کل سپاه. تماس تلفنی آقای هاشمی رفسنجانی با برادر محسن رضایی

برادر محسن رضایی: وضعیت (عملیات را بازگو کرد) آقای هاشمی: (ارتفاع) ژاژیله چی؟

برادر محسن رضایی: به دلیل عدم تصرف کامل ارتفاع گلان، این ارتفاع ژاژیله سه بار (بین ما و عراق) دست به دست شده است.

آقای هاشمی: چرا شما این قدر جلو (نزدیک خط مقدم) رفته‌اید؟

برادر محسن رضایی: وضع چه طور است؟

آقای هاشمی: هیچی. ما همه منتظر شما هستیم. با این همسایه‌تان (قرارگاه رمضان) چه کار کردید؟ نمی‌خواهید الحاق کنید؟ رضایی:

راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (برادر اردستانی): به علت این که گوشی (شنود تلفنی) مرا (برادر شمخانی) گرفت بقیه گفت و گوی تلفنی را نتوانستم بنویسم (اما در نوار ضبط شده است).

گفت و گوی برادران محسن رضایی، علی شمخانی و افشار درباره‌ی وضعیت یگان‌ها، نیرو و خطوط پدافند

محور مباحث مطروحه بین برادران مذکور درباره‌ی مشکلات ادامه‌ی عملیات است. برادر محسن در مورد موانع انجام عملیات‌های آتی سؤال می‌کند.

برادر شمخانی برای تشریح کامل وضع موجود، وضعیت یگان‌های سپاه را چنین برمی‌شمرد:

- لشکر ۲۵ (کربلا) در فسا و هور (الهوریزه) خط پدافندی دارد. در این جا (کربلای ۱۰) با یک گردان وارد عمل شد و یک گردان (هم) پدافند آن، با یک گردان امشب عمل می‌کند.
- لشکر ۳۱ (عاشورا) در هور و شلمچه خط پدافندی دارد. در این جا (کربلای ۱۰) هم با ۲ گردان آماده‌ی عملیات است.
- لشکر ۵ (نصر) در ضلع شرقی جزیره، خط پدافندی دارد. در این جا (کربلای ۱۰) با سه گردان آماده‌ی عملیات است.
- لشکر ۲۷ (حضرت رسول (ص)) هیچ نیرویی ندارد و در شلمچه (خط پدافندی دارد).
- لشکر ۱۰ (سید الشهداء) در هور و شلمچه (خط پدافندی دارد).
- لشکر ۱۷ (علی بن ابی طالب (ع)) در شلمچه و هور (خط پدافندی دارد).
- (برادر محسن) رضایی: خط شلمچه باید سبک‌تر شود.
- لشکر ۱۹ (بقیه‌ی مطالب نوشته نشده است).
- (برادر محسن) رضایی: این که خوب. ما می‌خواهیم بدانیم تا ۱۵-۱۰ روز دیگه (یگان آزاد) چی در دست داریم که عملیات کنیم.
- (برادر علی) شمخانی: هیچی.
- راوی:** در آمار فوق (یعنی آماری که از اعزام نیرو داده شد)، گردان‌های اعزامی صاحب‌الزمان خیلی اندک بودند.
- (برادر محسن) رضایی: در محور سردشت، (یگان) بگذارید کار بکنند. ببینند کجا می‌شود رفت داخل (عراق).
- (برادر) شمخانی: توان نیست: یگان‌ها نیرو ندارند، خسته‌اند، یک سال و نیم (پیاپی) دارند می‌جنگند.
- (برادر) رضایی: چه می‌گویند؟ مرخصی می‌خواهند؟

در سازمان رزم رشد نکرده‌ایم. (و در ادامه درباره‌ی صحبت قبلی می‌گوید) برای شناسایی، یک سری یگان‌ها مثل لشکر ۲۷ را می‌توانیم بیاوریم. (برادر) رضایی: برای (خط) شلمچه چه یگان‌هایی را می‌گذارید؟

(برادر) شمخانی: لشکرهای ۱۰ (سیدالشهدا) و ۳۱ (عاشورا) و ۸ (نجف) و ۲۷ (حضرت رسول (ص)) در آن‌جا خط ندارند.

(برادر) رضایی: در (خط) شلمچه یگان‌هایی را (در) پدافند بگذارید که در فاو یا جای دیگر (در) خط نداشته باشند که بشود در دفاع از آن‌ها استفاده کرد.

در مورد این منطقه (کربلای ۱۰ شمال سلیمانیه) برادر رضایی گفت: برای خط دفاعی این منطقه هم ما بیابیم (ارتفاع) قمیش و (ارتفاع) قشن و (ارتفاع) گامور را بگیریم و همین‌جا یک خط تشکیل بدیم. یک یگان برای (ارتفاع) گامو و یک یگان برای محور گلان و قشن، (در مجموع) ۲ یگان می‌خواهیم. (برادر) رضایی: ما بیابیم (تیپ ویژه) شهدا را پدافند کنیم.

ما بینیم تا آخر تابستان چند یگان برای عملیات داریم. هر یگان تا آخر تابستان یکی دو سه عملیات بکند. در هر مرحله هر لشکر چند گردان خواهد داشت؟

(برادر) افشار: در هر مرحله ۲-۳ گردان.

(برادر) شمخانی: ما (سپاه) ۳۶ یگان داریم. ۱۳ لشکر و ... در بین این (یگان‌ها) تیپ انصارالرسول و گردان بابل و ... هم هستند. کیف نکنید! (که چه قدر یگان داریم)، ولی همه‌شان بهتر از ... هستند.

راوی: برادر محسن پیش‌بینی می‌کرد (که) هر ۴۵ روز، ۵۰ گردان نیرو برای کلیه‌ی یگان‌ها می‌آید و تا آخر تابستان، ۲ عملیات ۱۰۰ گردانه انجام می‌شود. وی گفت: این در صورتی است که (نیروی یگان‌ها) در خط‌های پدافند آب نروند.

(برادر) شمخانی: این را نمی‌گویند، ولی خسته‌اند فرماندهان ما.

(برادر) رضایی: خب چه کار باید بکنیم.

(برادر) شمخانی: نمی‌دانم! فکر اساسی‌تر باید کرد. (برادر) رضایی: این‌جا که آب و هوا خوب است، آتش نیست.

(برادر) شمخانی: آره در مقابل جنوب آتش نیست: هوا خوب است، ولی عقبه ندارد، امکانات مشکل می‌رسد.

وضعیت نیرو

به خاطر کمبود نیرو و لزوم آن برای انجام عملیات، برادر محسن به (برادر) افشار گفت: شهرهای کردستان نیرو می‌خواهد چه کار کند، آن‌ها را آزاد کنید، تیپ تشکیل دهید و در همین منطقه (کربلای ۱۰ شمال سلیمانیه) به کارشان بگیرید.

در مورد نیرو (برادر) رضایی به (برادر) شمخانی گفت: چه کار می‌خواهید بکنید؟

(برادر) شمخانی: ما در نظر داریم با تبلیغ این عملیات (کربلای ۱۰) نیرو جذب کنیم.

(برادر) رضایی: کلاً چه یگان‌هایی را می‌توانیم آزاد کنیم؟

(برادر) شمخانی: لشکر ۱۰ (سیدالشهدا) قرار شد آزاد شود.

(برادر) رضایی: پس از این عملیات (کربلای ۱۰) چی؟ (یگان دیگری آزاد می‌شود؟)

(برادر) شمخانی: باید بینیم چیه (وضعیت چگونه است). نه مهمات می‌رسد نه (ماشین) تویوتا می‌رسد ... بند پوتین.

(برادر) شمخانی: قسمتی از (خط پدافند) فاو را از ما بگیرید.

(برادر) رضایی: فاو را که نمی‌شود، زحمت بچه‌ها به هدر می‌رود.

(برادر) شمخانی: ما در مقابل زمینی که گرفته‌ایم

تماس (آقای) هاشمی (رفسنجانی با برادر محسن) (آقای) هاشمی: وضع‌تان چه طور است.

(برادر) رضایی: هوایی امروز ۷-۶ برابر روز گذشته بمباران کرد. شب گذشته ساعت ۱۱-۱۲، عراق به حدید (ارتفاع گلان) حمله کرد که آن را گرفت. صبح، بچه‌ها حمله کردند و به جز قله‌ی اصلی (گلان) همه‌ی آن را پس گرفتند.

هاشمی: در جریان رد و بدل شدن حدید (ارتفاع گلان) اسیر رد و بدل شده؟

(برادر) رضایی: باقر (قالیباف فرمانده لشکر ۵ نصر) درگیر است، نمی‌دانیم.

(آقای) هاشمی: این‌ها (دشمن) چه طور می‌توانند بیابند؟ یعنی به مواضع ما حمله کنند.

(برادر) رضایی: یک جاده‌یی دارند که چون پایگاه (واقع در) کنار آن پاک‌سازی نشده، می‌آیند می‌زنند به خط. الآن چهارمین بار است که با ۴ یگان مختلف، این ارتفاع (گلان، بین ما و دشمن) دست

به دست می‌شود. به همین خاطر، تصمیم گرفته شد نیروی بیش‌تری گذاشته شود که تا ته آن (ارتفاع گلان) را بروند که خیال‌مان از آن راحت بشود و از رفتن (به) عمق مقداری صرف‌نظر شود. برای رفتن روی شکوه (ارتفاع؟) نیروی بیش‌تری می‌خواهد که گفته‌ایم عمل کنند.

(آقای) هاشمی: آقای شمخانی (تهران) نمی‌آیند؟

(برادر) رضایی: چرا می‌آیند. یک مقدار هوانیروز مطرح است که باید تقویت شود.

(آقای) هاشمی: به (سرهنگ) شالچی (فرمانده هوانیروز) گفته‌ام.

راوی: امروز صبح نیروهایی از عراق به سمت (ارتفاع) برده هوش واقع در کنار (ارتفاع) اسپیدار آمده‌اند که پشت سر آن‌ها بچه‌های گردان قائم آمده‌اند پایین و دشمن (ارتفاع) برده هوش را گرفته است.